**برنامة ‌اصلاحات اقتصادي نئوليبراليستي تورگوت اوزال در تركيه**

پس از شكل گيري جمهوري تركيه در سال 1923 دولت تركيه مي‌كوشيد تا با توسعه كشاورزي از فشار اقتصادي ناشي از جنگ جهاني اول بر خود بكاهد. پس از جنگ جهاني دوم ترك‌ها توجه بيشتري به بخش صنعت نمودند. اما تا آغاز دهة 1980 (همزمان با وقوع انقلاب اسلامي در ايران و سپس شروع جنگ ايران و عراق و ...) توفيقي در اين زمينه نداشتند و اقتصاد تركيه با نوسانات و موانع جدي روبرو بود كه اين امر باعث عدم تحقق برنامه‌هاي اقتصادي ايران كشور مي‌شد. بطور كلي عوامل متعددي را در نابساماني اوضاع اقتصادي تركيه تا قبل از 1980 مي‌توان برشمرد كه مهمترين آنها عبارتند از:

1- افزايش ناگهاني قيمت نفت در سال 1973

2- قطع كمك و سوبسيدهاي دولتي

3- قطع كمك‌هاي آمريكا و تحريم اقتصادي آمريكا و كشورهاي غربي به علت حملة تركيه به قبرس و اشغال بخش شمالي قبرس در سال 1974

4- كاهش شديد ارزش پول تركيه (لير) به دليل سياست‌هاي صندوق بين المللي پول

5- افزايش قيمت كالاهاي توليدي شركتهاي دولتي

6- تشكيل دولت‌هاي ائتلافي ناپايدار و شكننده (1).

تركيه تا دهه 80 ميلادي از لحاظ اقتصادي كشوري فقير بود، ركود اقتصادي، بيكاري، نرخ تورم بالا، وضعيت اقتصادي مردم را آشفته كرده بود، هرج و مرج گسترده و تظاهرات و اعتصابات و آشوب‌هاي اجتماعي اين كشور را فلج كرده و بي ثباتي اقتصادي را موجب شده بود و همين امر باعث وقوع كودتاهاي نظامي پي در پي تركيه مي‌شد. كودتاي 1980 ژنرال كنعان اورن كه براي مهار بحرانهاي اقتصادي و اجتماعي و سياسي تركيه انجام گرفته بود، به دنبال خود رويدادهايي پيش آورد كه باعث دگرگوني و تحول در تركيه گرديد.

تورگوت اوزال در سال 1971 شغلي در بانك جهاني پيدا كرد و در همان زمان توسط يك اقتصاد دان ترك شاغل در بانك جهاني توسط بانك جهاني استخدام شد تورگوت اوزال از تجارب وي در آمريكا بهرة فراوان برد و بعد از بازگشت به تركيه توانست از آنها در تركيه استفاده كند. اوزال به عنوان مدير يك بخش خصوصي اقتصادي با برآوردهاي اقتصادي 1980 مشهور گرديد و طي آن توانست سياست اقتصادي دولت نظامي كنعان اورن را به پيش برد. روي كار آمدن تورگوت اوزال به عنوان مشاور اقتصادي كنعان اورن، به عنوان معمار اقتصادي تركيه، اقتصاد اين كشور را متحول نمود.

اوزال در سال 1983 با حزب تازه تأسيس خود «حزب مام ميهن» توانست برندة انتخابات شده و با سمت نخست وزير دولت را در دست بگيرد، بعد از 1983 كه خود قدرت را در دست گرفت خدمات شايان توجهي به تركيه ارائه كرد (2). روي كار آمدن اوزال با طرح و ايده‌هايي جديد اقتصادي متأثر از برنامه‌هاي بانك جهاني اساس سياستگذاري براي نوسازي و توسعه گرديد و ادامه برنامه‌هاي دولت، رشد جهشي اقتصادي تركيه را در يك فاصلة زماني كوتاه 20 ساله سبب شد. دومين دليل را مي‌توان سياست متخذه از سوي دولت اين كشور دانست كه در طول جنگ ايران و عراق اعلام بي طرفي كرده و توانستند در طول دورة هشت سالة جنگ ايران و عراق سود سرشاري از طريق صادرات انواع كالاهاي مورد نياز ايران و عراق نصيب كشور خود كنند در واقع اوزال طبق برنامه‌هاي بانك جهاني در آمريكاي لاتين براي اعمال سياست‌هاي خود به بازارهاي جديد نياز داشت، در آن زمان كالاهاي تركيه قابل رقابت با كالاهاي كشورهاي اروپايي و كالاهاي كشورهاي جنوب شرقي آسيا نبود، پس ضروري بود تا بازارهاي جديد دست نخورده‌اي را امتحان مي‌كردند، در اين راستا كشورهاي حاشيه خليج فارس و بخصوص ايران كه پس از انقلاب اسلامي با جنگي سخت درگير بود و از طرف ديگر مورد تحريم اقتصادي نيز واقع شده بود، بازارهاي بسيار مناسبي براي تركيه محسوب مي‌شدند. ضمن آنكه سياست اقتصادي اوزال پايه گذاري صنايع جديد در تركيه بود رشد و گسترش اين صنايع مستلزم كشف بازارهاي جديد جهت صدور توليدات خود به اين بازارها بود و جنگ ايران و عراق اين فرصت را در اختيار تركيه قرار داد. معمولاً در بيشتر كشورهاي توسعه نيافته ماهيت نخبگان حاكم متغير نهايي و پارامتر تعيين كنندة اصلاحات اقتصادي مي‌باشد. اقداماتي كه اوزال در دوران نخست وزيري خود از سال 1983 و سپس دوران رياست جمهوري خود طبق برنامه‌هاي بانك جهاني در تركيه انجام داد، زير ساخت‌هاي جامعة تركيه را متحول كرد و تأثيرات عميق و بلند مدتي بر جامعه و سياست تركيه داشت. اين اقدامات در تحليل نهايي، معطوف به تضعيف سلطه دولت بر اقتصاد و به دنبال آن بر جامعه و سياست بود. زيرا سيستم اقتصادي بازار آزاد به عنوان يك زير سيستم نمي‌تواند با نظام سياسي اقتدارگرا و دولت محور و يك جامعة سنتي پدر سالار همزيستي داشته باشد.

تحولات عميقي كه اقدامات اوزال ايجاد كرد تأثيرات خود را در دهة 90 نشان داد و اين تحول و دگرگوني در همة زمينه‌هاي اقتصادي ـ سياسي ـ اجتماعي و فرهنگي و ... روي داده است و ثمرة رشد و توسعة اقتصادي امروزة تركيه ميوة درختي است كه اوزال در دهة 1980 كاشته و AKP (حزب عدالت و توسعه) با هوشياري و درك مقتضيات روز و فهم ساختار نظام بين الملل، آن را مي‌چيند.

اهميت سياست‌هاي آزاد سازي اوزال از آنجا ناشي مي‌شود، كه برنامه‌هاي وي توانست تركيه را از يك اقتصاد پيراموني به يك اقتصاد نيمه پيراموني در اقتصاد جهاني تبديل كند و زمينة گذر تركيه به اقتصاد بازار آزاد را هموار كند (4).

اقتصاد تركيه مانند اقتصاد بسياري از كشورهاي در حال توسعه، اقتصاد مبتني بر كنترل دولت و اقتصاد مبتني بر جايگزيني واردات بود، انباشت سرمايه به جاي آن كه بر بازار آزاد تكيه داشته باشد، به شدت به سياست‌هاي دولتي و همچنين وابسته به عرصة سياست بود (قبل از دهة 1980 و دوران اوزال) كنترل تجارت، اعتبارات بانكي، ارز خارجي و ... از ويژگيهاي اصلي اقتصادي بود كه توسط دولت انجام مي‌شد، شركت‌ها، كارآفرينان، بازرگانان وابسته به دولت و بوروكراسي بودند، بطوريكه به جاي استفاده از فرصت‌هاي توليد شده توسط بازار، در تلاش براي استفاده از يارانه‌هاي دولتي بودند. اين فضاي سياسي و اقتصادي باعث رشد رفتارهاي رانت جويانه در ميان مردم و تجار مي‌شد. اما در پي بحران ايجاد شده در موازنة پرداخت‌ها در اواخر دهة 1970 تركيه با تأثيرپذيري از جريانهاي بين المللي و نهادهاي اقتصادي جهاني در تلاش براي تغيير دولت محوري در اقتصاد بر آمد، و تركيه به محل آزمون برنامه‌هاي مشترك بانك جهاني و صندوق بين المللي پول (IMF) براي پيشبرد برنامه‌هاي اصلاح اقتصادي به منظور خروج از بحران‌ها تبديل شد، هدف از اجراي اين برنامة نهادهاي بين المللي اقتصادي در تركيه با ثبات كردن و آزادسازي اقتصاد بسته و درون نگر تركيه و تبديل آن به يك اقتصاد برون نگر و مدلي براي ساير كشورهاي كمتر توسعه يافته بوده است (4). اين برنامة مشترك بانك جهاني و صندوق بين المللي پول كه در دوران دولت تورگوت اوزال اجرا شد شامل موارد زير بود:

1- آزادسازي رژيم تجارت خارجي

2- حذف كنترل‌هاي اعمال شده بر ارزهاي خارجي

3- اتخاذ سياست‌هاي تشويقي براي جلب سرمايه گذاري خارجي

4- آزادسازي نرخ بهره به منظور تشويق انباشت سرمايه خصوصي

5- خصوصي سازي بخشهاي كارآفرين دولتي (5).

و در نتيجه اجراي اين برنامه كه در سال 1989 آخرين مراحل آن اجرا شد تركيه در آستانة ورود به يك رژيم انباشت سرماية كاملاً ليبرال قرار گرفت.

اهميت برنامه‌هاي آزادسازي تورگوت اوزال متأثر از برنامه‌هاي بانك جهاني و صندوق بين المللي پول از آنجا ناشي مي‌شود كه جامعة تركيه يك جامعة دولت محور بود، به گونه‌اي كه بخش خصوصي ضعيف بوده طبقات و اقشار مختلف به حمايت دولت نياز داشتند و دولت در همة عرصه‌ها حضور داشت.و قاعده پذيرفته شده اين بود كه راه ثروت و قدرت از دولت مي‌گذرد، در اين دوران بخش خصوصي و حاكمان سياسي در هم تنيده بودند و قدرت در دست عده‌اي حاضر متمركز شده بود، با ورود به نظام چند حزبي از سال (1980-1950) صاحبان سرمايه و تجار پي بردند كه مي‌توانند از سياست به عنوان ابزاري براي حفظ منافع خود استفاده كنند به همين سبب تمايل به اداره دولت به شدت افزايش يافته بود و از اين طريق بار زيادي بر بودجه دولت تحميل مي‌شد. احزاب سياسي كه به قدرت مي‌رسيدند از دستگاه دولت براي باز توزيع پول به بخشهاي اجتماعي فقير به منظور جلب آراي آنها استفاده مي‌كردند. همة اين موارد منجر به وقوع بحرانهاي متوالي در عرصة سياست و اقتصاد در دهة 70 ميلادي شد كه پي آمد آن، كودتاي نظامي 1980 تا 1983 بود.

بحران‌هاي پي در پي اقتصادي و سياسي نخبگان سياسي حاكم در تركيه را متقاعد كرد كه انجام اصلاحات اقتصادي و به دنبال آن سياسي ضروري است. اوزال با بهره گيري از اين فضا توانست با حاشيه نشين كردن نخبگان سياسي دولت گرا و اقتدارگرا، زمينه انجام اصلاحات اقتصادي را فراهم كند. اوزال با آشنايي با تجارب كشورهاي مختلف به ويژه آمريكاي لاتين به هنگام كار در بانك جهاني براي پيشبرد امر خصوصي سازي و اقتصاد بازار آزاد كوشيد مدل مزبور را در تركيه باز توليد كند و در اين راستا برخي نهادهاي مستقل سياست گذاري اقتصادي را تأسيس كرد. وي نهاد بوروكراتيك قدرتمندي را ايجاد كرد كه مستقيماً به دفتر نخست وزير وصل بود و مستقل از ساير سازمان ها عمل مي‌كرد، هدف اوزال از اين كار رفع موانع داخل حكومتي بر سر راه خصوصي سازي بود (6).

در سال 1979 اقتصاد تركيه با موانع و نوسانات جدي روبرو بود كه باعث عدم تحقق برنامه‌هاي اقتصادي اين كشور مي‌شد افزايش قيمت نفت و انرژي در سال 1979 شوك شديدي بر اقتصاد تركيه وارد آورد. اما تركيه توانست تا حد زيادي اين فشار را با كمك مالي كشورهاي عضو اوپك جبران نمايد. افزايش قيمت نفت و ركود اقتصادي كشورهاي صنعتي و در نتيجه بيكاري كارگران ترك در اين كشورها، ارز ارسالي از سوي آنان به تركيه كاهش يافت كه پي آمد آن فشار مضاعفي بود كه بر نامتعادل تر شدن بيلان تراز پرداخت‌هاي اين كشور وارد شد، مناقشات تركيه و يونان بر سر قبرس و قطع كمك‌هاي آمريكا و غرب و ... تراز پرداخت‌هاي تركيه را با كسري بيشتري مواجه ساخت كه نتيجة آن كاهش ارزش لير در برابر ارزهاي خارجي در سال 1985 تا حد 33 درصد بود و تورم ناشي از آن و بازگشت كارگران بيكار در كشورهاي صنعتي و رشد جمعيت و افزايش نرخ بيكاري و ... در مجموع باعث شد تا نرخ رشد اقتصادي در سال 1983-1979 به كمتر از 2 درصد برسد و ديون خارجي تركيه به بيشتر از 97 ميليارد دلار و ديون داخلي آن به رقم 35 ميليارد دلار رسيد كه جمعاً معادل 132 ميليارد دلار مي‌شد.

پي آمدهاي سياست‌هاي نئوليبرال، اقتصادي اوزال در دهه 80 را مي‌توان در موارد زير خلاصه كرد:

1- تضعيف سنت دولت سالاري

2- ظهور سرمايه سبز يا آناتولي

3- تقويت بخش خصوصي

4- تضعيف كماليسم (7).

1- تضعيف سنت دولت سالاري : دولت سالاري و اقتدار دولت يكي از اصول (آتا ترك) بود، دولت گرايي در كماليسم به نظامي ارجاع مي‌دهد كه در آن دولت، فعالانه براي منافع اقتصادي حياتي و عمومي مشاركت مي‌كند، حتي اگر كار و فعاليت خصوصي را ايده‌اي اساسي تلقي كند تا در كوتاه‌ترين زمان ممكن براي ملت و كشور سعادت مندي پديد آورد. هدف از دولت گرايي توسعه بخشيدن به اقتصاد ملي به وسيلة آزاد سازي آن از قيد وابستگي خارجي و تقويت شركت‌هاي محلي زير نظارت دولت بود و كماليست‌ها در اين شيوة اقتصادي متأثر از تجارب سوسياليستي بودند به همين دليل حاكمان سياسي كماليست و در رأس آنها نظاميان هميشه از نقش دولت در اقتصاد دفاع كرده و با هر اقدامي كه منجر به تضعيف دولت در اقتصاد گردد مخالفت مي‌كردند. رابطة تنگاتنگ دولت گرايي با پوپوليسم، نخبگان سياسي كماليست را تشويق مي‌كردند براي حفظ محبوبيت مردمي خود در برابر خصوصي شدن و تضعيف نقش دولت مخالفت كنند. اين مخالفت‌ها، هم اكنون نيز وجود دارد.

اقدامات اوزال در مورد خصوصي سازي جزء اولين اقدامات مؤثر در دوران جمهوري تركيه بود كه نقش مسلط دولت در اقتصاد و بعدها در سياست و جامعه را به چالش كشيد و به نيروهاي غيردولتي امكان داد، در عرصه‌هاي مختلف اجتماعي ، اقتصادي، سياسي و ... نقش داشته باشند، اين موضوع زمينه ساز ظهور يك جامعة مدني هر چند ضعيف در دهة 90 بود كه به نوبة خود راه نزديكي تركيه به اتحاديه اروپا را هموار مي‌كرد.

2- ظهور سرمايه سبز يا آناتولي : در اثر سياست‌هاي آزاد سازي تورگوت اوزال زمينة شكل گيري صاحبان صنايع كوچك و متوسط پديد آمد كه انجمن مستقل تجار و صنعتگران را پديد آوردند (Musiad) و بعدها Musiad به يكي از اصلي‌ترين حاميان AKP (حزب عدالت و توسعه) تبديل شد و تغيير قابل توجهي در انباشت سرمايه در منطقه آناتولي بدون كمك دولت و صرفاً با اتكا بر تحولات غيردولتي صورت گرفت.

سرماية آناتولي از سه گروه عمدة تجار مذهبي محافظه كار، شركت‌هايي كه صاحبان آنها فرقه‌هاي مذهبي هستند و شركت‌هاي داراي سهامداران متعدد مي‌باشند. از سال 1983 به بعد كه بانكداري بدون بهره در تركيه به منظور ايجاد شركت‌هاي مالي ويژه قانوني شد و اين شركت‌هاي بزرگ در جذب سرماية افرادي كه خواهان بانكداري بدون ربا هستند نقش مهمي ايفا كرده‌اند. ظهور ببرهاي آناتولي در عرصة اقتصاد باعث تقويت موقعيت اسلام گرايانه شده، گرچه ورود اسلام گرايان به عرصة سياسي ابتدا با افت و خيزهايي و نيز بي ثباتي همراه بوده ولي در نهايت زمينة تقويت جامعة مدني و تحكيم دموكراسي در تركيه را فراهم كرده كه اين نيز محصول عملكرد اصلاحات تورگوت اوزال بود.

امروزه سرماية خصوصي تجار و صنعتگران كوچك و ميانه رو در آناتولي (معروف به ببرهاي آناتولي) به يك رقيب جدي براي سرماية صاحبان صنايع بزرگ (Tusiad) كه از جانب سكولارها و نظاميان حمايت مي‌شوند، تبديل شده است. (Tusiad انجمن صاحبان صنايع بزرگ خصوصي تركيه كه نهاد قدرتمندي است و بيش از 50 درصد توليد ناخالص ملي تركيه را در دست دارند و در دهة 70 تشكيل شده است.)

3- تقويت بخش خصوصي : اساس ظهور اقتصاد بازار، وجود يك بخش خصوصي قدرتمند است. قبل از اصلاحات اقتصادي تورگوت اوزال بخش خصوصي در تركيه در واقع بخش خصوصي نبود بلكه با استفاده از رانت حمايت‌هاي دولتي و سياستمداران، مانع رقابت واقعي مي‌شد علاوه بر تجار بزرگ كه از رانت‌هاي دولتي برخوردار بودند، بوروكراسي قدرتمند نيز مخالف خصوصي سازي و رشد بخش خصوصي بود، اصلاحات اقتصادي دهه 80 دوران اوزال، زمينه را براي رشد و ظهور بخش خصوصي واقعي در تركيه فراهم كرد، كه آثار آن هم اكنون چه در حوزة اقتصادي و چه در حوزة سياسي ديده مي‌شود، يعني امروزه در تركيه، دولت در همة موارد حرف آخر را نمي‌زند، توجه تركيه به آسياي مركزي و قفقاز و حتي بالكان، نتيجه نفوذ و قدرت بخش خصوصي و لابي‌هاتي قدرتمندي بود كه در اين زمينه داراي منافع فرهنگي و اقتصادي بودند.

4- تضعيف كماليسم : منظور از كماليسم، ايدئولوژي نخبگان سياسي سكولار وفادار به كمال آتاترك كه در اساس محافظه كارانه بوده است كه با هر تغييري در عرصة اقتصاد و سياست مخالفت مي كنند و آن را مخالف قانون اساسي و حتي خيانت به تركيه مي‌دانند، اما سياست‌هاي اوزال در عرصة اقتصادي مؤثرترين حركت در راستاي تضعيف ايدئولوژي كماليسم و ناسيوناليسم افراطي بوده كه پي آمدهاي آن در زمينة خصوصي سازي پيوستن به اتحاديه اروپا، حقوق بشر و حقوق اقليت‌هاي قومي و ... ديده مي‌شود. شكي نيست كه بدون تضعيف كماليسيم بسياري از اقداماتي كه اكنون در تركيه انجام مي‌گيرد امكان پذير نبود (8).

**خصوصي سازي در تركيه**

براساس مطالعات انجام گرفته توسط بانك جهاني و صندوق بين المللي پول مشاهده شده است كه بسياري از مشكلات مالي و اقتصادي كشورهاي در حال توسعه در نتيجة ملي كردن صنايع و فعاليت‌هاي اقتصادي و همچنين وجود شركت‌هاي دولتي مي‌باشد، كه افزايش كاركنان دولتي و هزينه‌هاي رو به رشد و افزايش بدهي خارجي، كمبود سرمايه براي سرمايه گذاري و ... عملاً اقتصاد دولتي را فلج مي‌كند برخي از مشكلات مهم شركت‌هاي دولتي شامل موارد زير مي‌باشد:

1- كنترل‌هاي بيش از حد محدود كنندة دولت بر روي بودجه‌ها و امور مالي شركت‌هاي دولت

2- عملكرد ضعيف و دريافت خدمات ناكارآمد به دليل رقابت ضعيف و يا انحصاري بودن موقعيت

3- محدوديت‌هاي موجود در خط مشي قيمت گذاري توسط دولت كه مي‌خواهند به دلايل سياسي خدمات سوبسيد دار و ارزان ارائه دهند و از روشن شدن تمام هزينه‌هاي عملياتي و سرمايه‌اي شركت‌هاي دولتي جلوگيري كنند.

4- غيرشفاف بودن هزينه‌هاي عملياتي و سرمايه‌اي شركت‌هاي دولتي

5- سوء مديريت و فساد مالي كه به افزايش هزينه‌هاي توليد محصولات و خدمات دولتي منجر مي‌شود.

6- ناچار بودن دولت در ادارة كارهاي خصوصي ورشكسته يا تدارك كالاها و خدمات غير سود آور

7- شكست دولت‌هاي مركزي در تدارك سوبسيدهاي تعهد شده يا رساندن به موقع منابع بودجه‌اي. (9)

يكي از اصلي‌ترين شاخص‌هاي موفق بودن اصلاحات اقتصادي در هر كشوري خصوصي سازي مي‌باشد و هدف از خصوصي سازي افزايش كارآمدي نهادهاي مالي و اقتصادي مي‌باشد.

الگوي خصوصي سازي در تركيه نشان مي‌دهد روند خصوصي سازي در تركيه تا اواخر دهة 90 روند نسبتاً ثابتي است و حداكثر درآمد ناشي از خصوصي سازي تا پيش از سال 1998 هرگز از مرز 600 ميليون دلار در سال بيشتر نشد اما در سال 2000 ميلادي درآمد حاصل از خصوصي سازي نزديك به 5/2 ميليارد دلار رسيد دوران بي ثباتي باكاهش در آمدهاي ناشي از خصوصي سازي همراه است. علت كاهش درآمدهاي خصوصي سازي دولت در سال 1991 و تشكيل يك حكومت ائتلافي متشكل از حزب راه راست (DYP) و حزب چپ خلق (SHP) بوده و در حاليكه (DYP) حزبي متمايل به راست ميانه بود (SHP) گرايش‌هاي چپ داشت و اين امر روند خصوصي سازي را كند كرد. سال 1994 در تاريخ خصوصي سازي تركيه از اهميت ويژه‌اي برخوردار بود. زيرا در اين سال قانون خصوصي سازي شكل اجرايي به خود گرفت و خلاء قانوني موجود در اين زمينه را رفع كرد. و در افزايش درآمدهاي خصوصي سازي در سال 1995 خود را نشان داد و كاهش مجدد درآمدهاي خصوصي سازي در سالهاي 1996 و 1997، معلول پيروزي حزب رفاه در انتخابات سراسري (حزب اسلام گراي به رهبري نجم الدين اربكان) و بي ثباتي‌هايي كه به دنبال آن پديد آمد و باعث استعفاي اربكان شد. تشكيل دولت ائتلافي مسعود ييلماز بعد از استعفاي اربكان دوباره باعث افزايش قابل توجه درآمدهاي خصوصي سازي در سال 1998 گشت. (10) درآمد تركيه از خصوصي سازي در سال 1999 به علت برگزاري انتخابات پارلماني معادل 3/6 ميليون دلار بود كه كمترين ميزان درآمد به شمار مي‌رود. (13). پيروزي حزب دموكراتيك چپ (DSP) به رهبري بولنت اجويت و تشكيل حكومت ائتلافي با حزب پان‌تركيست حزب ملي (MHP) نگراني سرمايه گذاران را افزايش داده و گرايش‌هاي سوسياليستي موجود در حكومت نيز روند خصوصي سازي را آهسته كرد .

در ادامة اين حكومت ائتلافي و كاهش درآمدهاي ناشي از خصوصي سازي و ديگر برنامه‌هاي اقتصادي، منجر به بحران اقتصادي شد، در سال 2001 اقتصاد تركيه در بدترين بحران خود به سر مي‌برد بانك‌ها با ورشكستگي مواجه شده و ارزش سهام به شدت سقوط كرد حكومت تركيه در فورية ‌2001 مجبور به كاهش ارزش لير ترك شد توليد ناخالص ملي كاهش يافت و بدهي‌هاي عمومي تا 90 درصد توليد ناخالص ملي رسيد، مديريت ضعيف مالي و نظام شكنندة بانكداري اين كشور از دلايل اين بحران بود، به طور موقت توليد ناخالص داخلي تركيه حدود 7 درصد كاهش يافت، نرخ بهره به 400 درصد رسيد و ارزش پول كاهش و بدهي‌هاي دولت افزايش يافت اين بحران براي اقتصاد تركيه عقب گردي جدي بود اما همزمان انعطاف پذيري و پويايي آن را هم نشان داد و در نتيجة اجراي اصلاحات با حمايت صندوق بين المللي پول، دوران بهبود طي شد (12) و برنامة اصلاحي در زمينه‌هاي پولي ، مالي ، تجارت خارجي ، ارز و ... صورت گرفت و در بخش صنعت استراتژي برون گرا با اتكا بر صادرات شكل گرفته و حمايت از بخش صنعت افزايش يافت و سرمايه گذاري خارجي تشويق گرديد. واردات محصولات نيمه تمام و ابزارها و ماشين آلات توليدي در مقياس وسيعي آسان گرديد و دولت‌هاي تركيه در اواخر دهة 80 براي تسهيل و سرعت بخشيدن به سرمايه گذاري زير بنايي و تأمين هر چه بيشتر مايحتاج داخلي مدلي به نام «بساز، بهره برداري كن ـ واگذار كن» را به اجرا گذاشتند.

در اين راستا بانكداري مدرن شد و تسهيلات فراواني در اختيار صنعت قرار گرفت همچنين بخش حمل و نقل و خدمات نيز، از اهميت بيشتري برخوردار شد و بهبود يافت. تركيه جزو كشورهايي محسوب مي‌شود كه از نظر امكانات و منابع معدني ضعيف است و تركيه برخلاف ديگر كشورهاي منطقه وارد كنندة نفت و گاز در خاورميانه مي‌باشد، بنابراين بخش مهمي از درآمد خود را معطوف توليد انواع محصولات صنعتي و غيرصنعتي كرده است تا بتواند ضمن تأمين نيازمنديهاي داخلي با صدور اين محصولات درآمد سرشاري را نصيب خود كند (12).

**منابع**

1- محسن، مراديان، **آشنايي با كشور تركيه**، مركز آموزش شهيد صياد شيرازي، تهران :1383، ص 61.

2- رحمن قهرمان پور، **اصلاحات اقتصادي در تركيه و چالش‌هاي پيش رو**، كتاب آسيا ويژة مسائل تركيه، ابرار معاصر معاونت پژوهشي، تهران 1384، ص 218.

3- رحمن ـ قهرمان پور،" **تأثير انقلاب اسلامي بر تركيه"**، فصل نامه مطالعات خاورميانه سال هفتم، شماره 4 ، زمستان 1379.

4- رحمن قهرمان پور، تهران 1384 ، پيشين صص 219-216.

5- همان صص222-220.

6- محسن، مراديان، **برآورد استراتژيك تركيه**، ابرار معاصر، مؤسسه فرهنگي مطالعات و تحقيقات بين المللي، تهران: 1385، ص 346.

7- رحمن قهرمان پور، تهران 1384 ، پيشين صص 226-222.

8- سيدجواد طاهايي، **كماليسم، عناصر بحران در نگرش سياست خارجي تركيه** نشريه راهبرد، پاييز 1380، ص 207.

9- ژوزف پركونيكو، **مديريت خصوصي سازي**، ترجمه حسين اكبري و دردانه داوري. مركز پژوهش‌هاي صنعتي آريانا، تهران: 1380 ، صص 15-13.

10- رحمن قهرمان پور، پيشين صص 230-229.

11- محسن، مراديان، **برآورد استراتژيك تركيه (سرزميني ـ دفاعي ـ اقتصادي ـ اجتماعي**) ، ابرار معاصر، تهران: معاونت پژوهشي، 1385 ، ص 468.

12- محسن، مراديان، پيشين، ص 469.

13 Metin R, Ercan and Ziya Öniş, op. cit, pp.: 114-116.

14- can aktan, coskun **.1996.Turgut ozalin deigisim modeli ve Deigisime karsi direnen guclerin ta**hlili. pp:15-32.